

بایسته‌های مجالس مذهبی از منظر آیات و روایات^۱

محسن نورایی^۲ / سیده عاطفه موسوی نژاد^۳

چکیده

مجالس مذهبی یکی از شعائر دین مبین اسلام و مورد تأکید قرآن کریم و روایات اسلامی است که به عنوان اساس دین و معیار ایمان معرفی شده است؛ چراکه حبّ اهل بیت علیهم‌السلام راه نجات بشر و رسیدن به سعادت حقیقی است. در این پژوهش با به‌کارگیری روش توصیفی تحلیلی، بایسته‌های مجالس مذهبی و نقش این مجالس در گرایش مردم به اسلام با بررسی آیات قرآن کریم و روایات معصومین علیهم‌السلام تبیین شده است. به منظور دستیابی به پاسخ پرسش اصلی تحقیق، نخست به بیان بایسته‌های محتوایی این مجالس از جمله بهره‌مندی از حکمت، مستند بودن، موعظه، غلو و سپس بایسته‌های شکلی و ظاهری مانند رعایت اوقات نماز، استفاده از اشعار و توجه‌های مناسب، پرهیز از بدعت و غنا پرداخته شده است تا الگویی مطلوب از این مجالس به مخاطبان ارائه شود. این بایسته‌ها به دو دسته ایجابی و سلبی تقسیم می‌شوند: بایسته‌های ایجابی از ناحیه‌ی سخنرانان و مداحان در مجالس مذهبی باید رعایت شود و دسته دوم، نباید‌هایی است که از جانب مداحان، سخنرانان و برگزارکنندگان باید مورد توجه قرار گیرد. شناخت و توجه به این بایسته‌ها سبب می‌شود که این مجالس به هدف اصلی خود که شناخت اهل بیت علیهم‌السلام است، دست یابند و دین در جامعه زنده و پویا باشد و از نسلی به نسل دیگر منتقل شود.

کلیدواژه‌ها: مجالس مذهبی، بایسته‌های محتوایی، بایسته‌های شکلی ظاهری، قرآن کریم، روایات.

۱. تاریخ دریافت: ۹۹/۷/۱ تاریخ پذیرش: ۹۹/۱۱/۱۵

۲. دانشیار علوم قرآن و حدیث دانشگاه مازندران، پابلسر، ایران. m.nouraei@umz.ac.ir

۳. دانش‌آموخته سطح سه تفسیر مرکز مدیریت حوزه‌های علمیه خواران. s.atefeh1369@gmail.com

مقدمه

حضور در مجالس اهل بیت علیهم‌السلام یکی از کانون‌های مؤثر در تبلیغ دین اسلام و آموزش عقاید و احکام است. شرکت در این مجالس باعث از بین رفتن جهل دینی و کسب معرفت می‌شود. دین اسلام همواره به دوستی اهل بیت علیهم‌السلام توصیه کرده و تمسک به ریسمان آنان را راه نجات بشر معرفی کرده است. یکی از راه‌های ابراز این دوستی، تشکیل مجالس مذهبی و یا شرکت در آن است. سیر تاریخی برگزاری این مجالس همواره با آسیب‌هایی روبه‌رو بوده است که امروز بیش از پیش با آن‌ها مواجه است؛ از این رو در این پژوهش تلاش شده است با بررسی آیات قرآن کریم، روایات معصومین علیهم‌السلام و بزرگان دین، بایسته‌های ایجابی و سلبی مجالس مذهبی و نقش آن‌ها در گرایش مردم به دین تبیین شود. با مطالعه‌ی آثاری که درباره این موضوع نگارش شده‌اند، این نتیجه به دست آمد که با وجود تشابه موضوعی آثاری مانند پایان-نامه کارشناسی ارشد «نقش مجالس مذهبی مطلوب در حفظ و تداوم حیات دینی جامعه از دیدگاه قرآن و روایات» که در آن نویسنده به تبیین نقش مجالس مذهبی در حفظ و تداوم حیات دینی جامعه در قالب کارکردهای مختلف از جمله کارکردهای عبادی، سیاسی، تربیتی، اجتماعی، فرهنگی و روانشناختی پرداخته است و به اجمال به برخی آسیب‌های مجالس مذهبی، مانند اسراف و ریا به منظور وصول به اهداف برگزاری مجالس مذهبی و حفظ و تداوم حیات دینی جامعه اشاره کرده است، تاکنون اثری جامع و مدون که از پایگاه تفکر اسلام اصیل و انقلابی و به روش علمی از منظر آیات و روایات بتواند نسبت به بایسته‌های مجالس مذهبی تعیین تکلیف کند، نگاشته نشده است. از این رو پژوهش حاضر بر آن است تا ضمن رویکردی عملی به مبحث دین‌داری، بایسته‌های مجالس مذهبی را در متون اسلامی مورد بررسی قرار دهد. فرض مسأله آن است که در این مجالس، بهره‌مندی از حکمت، مستندبودن، موعظه، پرهیز از غلو از بایسته‌های محتوایی و رعایت اوقات نماز، استفاده از اشعار و نوحه‌های مناسب، پرهیز از بدعت و غنا از بایسته‌های شکلی و ظاهری مجالس مذهبی در قرآن و حدیث است که با روش تحقیق کتابخانه‌ای و بهره‌گیری از ابزار فیش‌برداری در جمع‌آوری اطلاعات، با رویکردی توصیفی در این نوشتار آمده است.

۱. بایسته‌های محتوایی

منظور از بایسته‌های محتوایی در این نوشتار، آن دسته از بایدها و نبایدهایی است که در محتوای برنامه‌های مجالس مذهبی وجود دارند. این بایسته‌ها به دو دسته ایجابی و سلبی تقسیم بندی می‌شوند که بایسته‌های ایجابی از ناحیه‌ی برگزارکنندگان، سخنرانان و مداحان در مجالس مذهبی باید رعایت شوند و موارد سلبی ممکن است از ناحیه‌ی دشمنان و یا حتی شرکت‌کنندگان و برگزارکنندگان انجام شوند. از این رو در ادامه مطلب به طور مفصل به هر کدام از این بایسته‌ها پرداخته خواهد شد:

۱.۱. بایسته‌های ایجابی

این دسته از بایسته‌ها، بایدهایی هستند که مداحان، سخنرانان و برگزارکنندگان باید رعایت کنند.

۱.۱.۱. بهرمندی از حکمت

یکی از بایسته‌های ایجابی مجالس مذهبی، بهرمندی از حکمت است؛ یعنی سخنان و معارفی که در این مجالس به مخاطبان ارائه می‌شوند باید حکیمانه باشند. در واقع حکمت همان علم است و حکیم، عالم و صاحب حکمت است (جوهری، ۱۴۰۷ق، ج ۵، ص ۱۹۰). غنابخشی فکری و محتوایی مجالس و مراسم سوگواری در جهت ارتقا و تعمیق بصیرت و معرفت اقدار و آحاد جامعه درباره‌ی موضوعاتی چون احکام، فلسفه و عقاید و مقابله با تحریفات و بدعت‌ها در جامعه است. بیان مسائل اخلاقی و تربیتی موجب ارتباط هر چه بیش‌تر با خداوند متعال و غلبه بر هوای نفس است. تهذیب نفس برای رسیدن به کمال و سعادت دنیوی و اخروی که هدف خلقت انسان است، لازم و ضروری است. مسأله تهذیب در تمام حوزه‌های فردی و اجتماعی حیات انسان تأثیرگذار است. اگر انسان بخواهد کمال حقیقی و سعادت ابدی جامعه را تأمین کند باید به تهذیب نفس افراد جامعه توجه ویژه داشته باشد و آن را نشو و نما دهد؛ زیرا جامعه‌ای که دارای افراد غیرمهدب است، هرگز به کمال و سعادت حقیقی نخواهد رسید.

مسئله تهذیب نفس از منظر قرآن کریم از مهم ترین موضوعات دین است. در سوره ی مبارکه شمس، خداوند یازده بار قسم یاد کرده است و پس از آن با چند تأکید فرموده است: «قَدْ أَفْلَحَ مَنْ زَكَّيْهَا وَقَدْ خَابَ مَنْ دَسَّيْهَا» (شمس: ۱۰ و ۹)؛ که هرکس نفس خود را پاک و تزکیه کرده، رستگار شده و آن کس که نفس خویش را با معصیت و گناه آلوده ساخته، نومید و محروم گشته است. در واقع رستگاری تنها برای کسی است که مهذب باشد. همچنین آیات فراوانی در قرآن، مسلمانان را به تهذیب نفس ترغیب نموده است: «وَمَنْ جَاهَدَ فَإِنَّمَا يُجَاهِدُ لِنَفْسِهِ إِنَّ اللَّهَ لَغَنِيٌّ عَنِ الْعَالَمِينَ» (عنکبوت: ۶)؛ کسی که جهاد و تلاش کند برای خود جهاد می کند، چراکه خداوند از همه جهانیان بی نیاز است. در تفسیر قمی در ذیل این آیه آمده است که منظور، مبارزه نفس در برابر شهوات و لذات نامشروع و گناهان است (قمی، ۱۴۰۴ق. ج ۲، ص ۱۴۸). از این نوع آیات در قرآن فراوان دیده می شود و این اهمیت تهذیب نفس را می رساند (عنکبوت: ۶۹؛ حج: ۷۸). در مجالس مذهبی سخنان باید به گونه ای باشند که باعث تزکیه ی نفس مردم شوند و مخاطبان را هر چه بیش تر به قرب الهی نزدیک کنند.

حکمت، حقایقی ثابت در وجود انسان است که هر عقلی به آن می رسد و قابل تغییر نیست. پیامبر اکرم ﷺ از خداوند درخواست حکمت کرده و فرموده است: «اللَّهُمَّ آرِنِي الْأَشْيَاءَ كَمَا هِيَ» (مجلسی، ۱۴۰۳ق. ج ۱۴، ص ۱۰)؛ خداوند! اشیا را همچنانکه هستند به من نشان بده. حکمت گنجی نیست که بشود از آن صرف نظر کرد. باید دنبال این گنج رفت و آن را از خداوند متعال مسئلت کرد. حکمت در قرآن کریم «خیر کثیر» نامیده شده است: «وَمَنْ يُؤْتَ الْحِكْمَةَ فَقَدْ أُوتِيَ خَيْرًا كَثِيرًا» (بقره: ۲۶۹)؛ به هرکس حکمت داده شود به یقین، خیری فراوان داده شده است. پیامبر ﷺ گفتاری شمرده و با فاصله داشت، سخنان او جامع همه معانی بود و هیچ کاستی و فزونی نداشت. کلام او تعیین کننده حق و باطل از یکدیگر بود (افتخاری، ۱۳۷۷، ص ۲۵). قرآن کریم نیز پیامبر ﷺ را این چنین معرفی می کند:

«هُوَ الَّذِي بَعَثَ فِي الْأُمِّيِّينَ رَسُولًا مِنْهُمْ يَتْلُو عَلَيْهِمْ آيَاتِهِ وَيُزَكِّيهِمْ وَيُعَلِّمُهُمُ الْكِتَابَ وَالْحِكْمَةَ وَإِنْ كَانُوا مِنْ قَبْلُ لَفِي ضَلَالٍ مُبِينٍ» (جمعه: ۲)؛ اوست آن کس که در میان بی سوادان فرستاده ای از خودشان برانگیخت تا آیات او را بر آنان بخواند و

پاکشان گرداند و کتاب و حکمت بدیشان بیاموزد و [آنان] قطعاً پیش از آن در گمراهی آشکاری بودند.

فقدان یا نقض دانش و اندیشه در جامعه، موجب انواع انحرافات است. در این زمینه، میزان سطح سواد عمومی جامعه تأثیر زیادی در ایجاد و رفع این ابهامات دارد و به طور یقین در جامعه‌ای که بیش‌تر افراد آن بی‌سواد و یا کم‌سواد باشند، میزان و شدت شیوع تحریفات و خرافات بسیار بالا است (جمعی از محققان حوزه، ۱۳۸۶، ص ۳۷).

مشاهده می‌شود گاهی در بعضی مجالس، گوینده به نقل مطلبی می‌پردازد که هم از لحاظ استدلال و پایه مدرک عقلی و نقلی و هم از لحاظ تأثیر در ذهن یک مستمع مستبصر و اهل منطق سست است. همچنین در برخی کتب مطالبی نوشته شده است که دلیلی بر کذب و دروغ بودن آن‌ها نیست و ممکن است راست باشد یا دروغ. اگر این مطالب در مجالس مذهبی بیان شود، ولو مسلم نیست خلاف واقع باشد و با شنیدن آن‌ها برای مستعلمان نسبت به دین، سوال و مساله ایجاد شود و اشکال و عقده به وجود آید، بازگو کردن آن‌ها از سوی سخنرانان جایز نیست؛ حتی اگر سند درست هم داشت، چون موجب گمراهی و انحراف است، نباید نقل شود. انسان نباید هر مطلبی را که هر جا نوشتند، بخواند و بازگو کند (کبا، ۱۳۹۳، ص ۱۱۶).

۲،۱،۱. مستند بودن

سخنران و ذاکر باید به مستدل‌ترین و قوی‌ترین اندیشه‌های ناب اسلامی مجهز باشد. در سوره‌ی اسرا بیان شده است: «وَلَا تَقْفُ مَا لَيْسَ لَكَ بِهِ عِلْمٌ إِنَّ السَّمْعَ وَالْبَصَرَ وَالْفُؤَادَ كُلُّ أُولَئِكَ كَانَ عَنْهُ مَسْئُولًا» (اسراء: ۳۶)؛ هرگز آن‌چه را که به آن علم و آگاهی نداری، پیروی مکن، چراکه از انسان در مورد گوش و چشم و دل، سؤال خواهد شد. در مجالس مذهبی که بهترین فرصت برای سخنران و ذاکر برای تبلیغ دین اسلام و احکام و عقاید آن است، گاه به دلیل عدم مطالعه صحیح و کافی قبل از سخنرانی ممکن است حرف‌های سست و گاهی نقل‌های نادرست بیان شود. حتی در برخی موارد حرف‌های غیر واقعی و خرافی هم بیان شود که همه این‌ها باعث سست شدن ایمان مردم می‌شود؛ از این رو سخنرانان و ذاکران باید از این فرصت استفاده کرده و والاترین معارف دین و لازم‌ترین مطالب و پاسخ شبهات روز را در قالب سخنرانی

و یا شعر به مردم ارائه کنند. متأسفانه با وجود دخول روایات اغراق آمیز در حوزه عزاداری و ثواب بی حد و حساب گریستن و گریاندن، هنوز تلاشی جدی جهت تفکیک سره از ناسره در احادیث عزاداری بر امام حسین علیه السلام انجام نگرفته است. برای مثال به نمونه ای از این روایات اشاره کرده و به ارزیابی سندی و متنی این روایت پرداخته می شود:

«حَدَّثَنِي أَبِي رَحْمَةُ اللَّهِ عَنْ سَعْدِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ أَحْمَدَ عَنْ عُمَرَ بْنِ سَهْلٍ عَنْ عَلِيِّ بْنِ مُسْهِرِ الْقُرَشِيِّ قَالَ: حَدَّثَنِي جَدِّي أَنَّهَا أَدْرَكْتَ الْحُسَيْنَ بْنَ عَلِيٍّ حِينَ قُتِلَ فَكُنَّا سَنَةً وَتِسْعَةَ أَشْهُرٍ وَالسَّمَاءُ مِثْلَ الْعَلَقَةِ مِثْلَ الدَّمِ مَا تَرَى الشَّمْسُ «قمی، ۱۳۹۲، ص ۲۹۰؛ محمد بن جعفر رزاز قرشی می گوید: محمد بن الحسین بن ابی الخطاب برایم نقل نمود از صفوان بن یحیی، از داود بن فرقد، از حضرت ابو عبدالله علیه السلام که آن حضرت فرمودند: هنگامی که حضرت امام حسین علیه السلام شهید شدند و یحیی بن زکریا راکشتند، آسمان تا یک سال سرخ بود و این سرخی، گریستن آسمان به حساب آمده است.

این روایت از لحاظ سندی غریب الاستناد است؛ زیرا در تمام زنجیره، یک شخص از شخص دیگر نقل کرده است. راویان این حدیث سعد ابی الخطاب، محمد بن اسماعیل بن بزیع، صالح بن عقبه و ابی هارون المکفوف هستند که ابی هارون از امام رضا علیه السلام نقل می کند. منظور از «سعد» در این حدیث به نظر می رسد که «سعد بن عبدالله» باشد. وی از مشاهیر و مورد وثوق بوده است. شیخ طوسی درباره وی گفته است: «جلیل القدر، واسع الأخبار، کثیر التصانیف، ثقه» از این رو در وثاقت او شکی وجود ندارد. ابی الخطاب نیز از نظر وثاقت مورد اطمینان رجال حدیث قرار گرفته است. نجاشی در احوال وی گفته است: «محمد بن الحسین بن ابی الخطاب أبو جعفر الزیات الهمدانی، و اسم ابی الخطاب زید: جلیل من أصحابنا، عظیم القدر، کثیر الروایه، ثقه، عین، حسن التصانیف» (ر.ک. خوبی، ۱۴۰۹، ص ۲۹۱). محمد بن اسماعیل بن بزیع، از وزرای منصور بوده و امام صادق علیه السلام و امام کاظم علیه السلام را درک کرده است. کشی درباره وثاقت وی سکوت کرده، ولی نجاشی او را موثق دانسته است (همان، ج ۱۵، ص ۲۹۵). در مورد شخص صالح بن عقبه ایهام وجود دارد؛ زیرا این نام بین صالح بن عقبه بن خالد الاسدی و صالح بن عقبه بن قیس

بن سماعان مشترک است و هر دو از اصحاب امام صادق علیه السلام هستند (همان، ج ۹، ص ۷۹). در مورد صالح بن عقبه بن خالد، جرح و تعدیلی دیده نشده است، ابن غضائری او را به غلو و دروغگویی متهم کرده است و درباره او نوشته است: «صالح بن عقبه بن قیس بن سماعان بن اَبی زبینه، غال، کذاب، لا یلتفت الیه» (همان، ج ۹، ص ۸۰). ابی هارون مکفوف از نظر کشی و نجاشی اهل غالی و منکر و ضعیف است، اما نجاشی او را ممدوح و از اصحاب امام باقر علیه السلام شماره کرده است (همان، ج ۱۳، ص ۳۲۲). بنابراین در اسناد این دو حدیث هر چند که برخی از راویان آن موثق هستند، ولی برخی از آنان مجهول یا ضعیف به شمار آمده اند. از لحاظ سندی حدیث متصل، غریب الاسناد و مشترک است. در مورد صالح بن عقبه بن خالد مجهول و صالح بن عقبه بن قیس ضعیف است که اعتبار حدیث را کاهش می دهد.

۳، ۱، ۱. موعظه

مجالس مذهبی از مغتنم ترین فرصت های تبلیغی و ارشادی و فرهنگ ساز جامعه ی دینی ماست که می تواند در سطح کلان اثرگذار بوده و به مؤثرترین تجلی اجتماعات مذهبی در جهان تشیع مبدل شود. از این رو هرگونه انحرافی در این زمینه نیز می تواند به همین میزان حساس و مهم باشد. در این میان نقش موعظه به عنوان بخش مهمی از این مجالس باید بیش از پیش مورد توجه قرار گیرد. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله نیز در دعوت مردم به اسلام از شیوه موعظه استفاده می کرد. در سوره مبارکه انعام، خدای سبحان پس از نفی احکام ساختگی مشرکان با شیوه موعظه آن ها را به احکام الهی دعوت می کند و می فرماید:

﴿قُلْ تَعَالَوْا أَتْلُ مَا حَرَّمَ رَبِّيَ عَلَيْكُمْ عَلَىٰ شُرُوكِ اللَّهِ بِالْوَالِدَيْنِ إِحْسَانًا وَ لَا تَقْتُلُوا أَوْلَادَكُمْ مِنْ إِمْلَاقٍ نَحْنُ نَرْزُقُكُمْ وَإِيَّاهُمْ وَلَا تَقْرَبُوا الْفَوَاحِشَ مَا ظَهَرَ مِنْهَا وَ مَا بَطَّنَ وَلَا تَقْتُلُوا النَّفْسَ الَّتِي حَرَّمَ اللَّهُ إِلَّا بِالْحَقِّ ذَلِكُمْ وَصَاكُمْ بِهِ لَعَلَّكُمْ تَعْقِلُونَ. وَ لَا تَقْرَبُوا مَالَ الْيَتِيمِ إِلَّا بِالَّتِي هِيَ أَحْسَنُ حَتَّىٰ يَبْلُغَ أَشُدَّهُ وَ أُوفُوا الْكَيْلَ وَ الْمِيزَانَ بِالْقِسْطِ لَا تَكْلِفُ نَفْسًا إِلَّا وُسْعَهَا وَ إِذَا قُلْتُمْ فَاعْدُوا وَ لَوْ كَانَ ذَا قُرْبَىٰ وَ بَعْدَ اللَّهِ أَوْفُوا ذَلِكُمْ وَصَاكُمْ بِهِ لَعَلَّكُمْ تَذَكَّرُونَ. وَ أَنَّ هَذَا صِرَاطِي مُسْتَقِيمًا فَاتَّبِعُوهُ وَ لَا تَتَّبِعُوا السُّبُلَ فَتَفَرَّقَ بِكُمْ عَنْ سَبِيلِهِ ذَلِكُمْ وَصَاكُمْ بِهِ لَعَلَّكُمْ تَتَّقُونَ﴾ (انعام: ۱۵۱-۱۵۳):

بگو بیایید آن چه را پروردگارتان بر شما حرام کرده است، برایتان بخوانم، این که چیزی را شریک خدا قرار ندهید و به پدر و مادر نیکی کنید و فرزندانان را از ترس فقر نکشید، ما شما و آن‌ها را روزی می‌دهیم و نزدیک کارهای زشت و قبیح نروید، چه آشکار باشد و چه پنهان و نفسی را که خدای سبحان محترم شمرده به قتل نرسانید. مگر به حق و از روی استحقاق، این چیزی است که خدای متعال شما را به آن سفارش کرده تا تعقل کنید و به مال یتیم جز به نحو احسن و برای اصلاح نزدیک نشوید تا به حد رشد برسد و حق پیمان‌ه و وزن را به عدالت ادا کنید، هیچ کس را جز به مقدار توانایی تکلیف نمی‌کنیم و هنگامی که سخنی می‌گویید، عدالت را رعایت نمائید، حتی اگر در مورد نزدیکان بوده باشد، این چیزی است که خداوند شما را به آن سفارش می‌کند تا متذکر شوید و این که این راه مستقیم من است از آن پیروی کنید و از راه‌های مختلف و انحرافی پیروی نکنید که شما را از راه حق دور می‌سازد، این چیزی است که خدای سبحان شما را به آن سفارش می‌کند تا پرهیزکار شوید.

قابل توجه است که دو نفر از اهالی مدینه به نام اسعد بن زراره و ذکران بن عبد قیس با شنیدن این آیات مسلمان شدند و از پیامبر ﷺ درخواست کردند تا فردی را به مدینه اعزام کند که مردم را به دین اسلام دعوت کند و تعالیم دین را به آنان بیاموزد. پیامبر نیز مصعب بن عمیر را به همراه آن‌ها به مدینه فرستاد که با رفتن او چهره مدینه دگرگون شد (قمی، ۱۴۱۲ق، ص ۳۵). موعظه یکی از جامع‌ترین برنامه‌های اصلاح اجتماع است که در قرآن کریم برای بیان مفاهیم اعتقادی و اخلاقی از آن بسیار استفاده شده است: «إِنَّ اللَّهَ يَأْمُرُ بِالْعَدْلِ وَالْإِحْسَانِ وَإِيتَاءِ ذِي الْقُرْبَىٰ وَيَنْهَىٰ عَنِ الْفَحْشَاءِ وَالْمُنْكَرِ وَالْبَغْيِ يَعِظُكُمْ لَعَلَّكُمْ تَذَكَّرُونَ» (نحل: ۹۰)؛ خدای متعال فرمان می‌دهد به عدل و احسان و بخشش به نزدیکان و از فحشا و منکر و ظلم و ستم نهی می‌کند، خداوند به شما اندرز می‌دهد شاید متذکر شوید. احیای اصول سه‌گانه عدل، احسان و ایتای حق ذی‌القربی و مبارزه با انحرافات سه‌گانه فحشا، منکر و ظلم در سطح جهان کافی است که دنیایی آباد، آرام و خالی از هرگونه بدبختی و فساد ساخته شود (قمی، ۱۴۱۲ق، ص ۳۴).

۲،۱. نیاسته‌های مجالس مذهبی

این بایسته‌ها در واقع نیادهایی است که از جانب مداحان، سخنرانان و برگزارکنندگان باید مورد توجه قرار گیرد.

۱،۲،۱. غلو

از بایسته‌های محتوایی سلبی مجالس مذهبی، مساله‌ی غلو است. از آن جا که برخی از مردم به شنیدن سخنان عجیب و دور از تصور میل دارند و مطالب غلوآمیز برای آنان جالب است، متأسفانه برخی واعظان و ذاکران از روی جهل و یا عناد در مجالس مذهبی از غلو استفاده می‌کنند. غلو درباره‌ی مقام پیامبر یا ائمه معصومین علیهم‌السلام آن است که آنان را از مرتبه مخلوق بودن بالاتر برده و در حد خدایی و مانند آن معرفی کنند. مسئله غلو درباره‌ی پیشوایان یکی از مهم‌ترین سرچشمه‌های انحراف در ادیان آسمانی بوده است. غلو موجب ویرانی اساس دین، یعنی خداپرستی و توحید است؛ به همین دلیل اسلام درباره غلات سخت‌گیری شدیدی کرده است، تا جایی که در کتب «عقاید» و «فقه»، غلات از بدترین کفار معرفی شده‌اند (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۲۵، ص ۲۶۵). یکی از بزرگ‌ترین فواید مجالس مذهبی، الگودهی به مردم است که با غلوکردن سخنرانان از بین می‌رود. در قرآن کریم آیاتی در نکوهش غلو آمده است: «یا أَهْلَ الْكِتَابِ لَا تَغْلُوا فِي دِينِكُمْ وَلَا تَقُولُوا عَلَى اللَّهِ إِلَّا الْحَقَّ» (مانده: ۷۷)؛ ای اهل کتاب! در دین خود، غلو (و زیاده‌روی) نکنید! و در باره خدا، غیر از حق نگوئید. تفویض غلوآمیز چند نوع است: ۱. اعتقاد به این که خلقت و آفرینش جهان به پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم و ائمه معصومین علیهم‌السلام واگذار شده است و این بزرگواران آفریدگار، روزی دهنده و تدبیرکننده امور عالم هستند. تفویض به این معنی از جهتی شرک است و از دیدگاه دیگر فقط فکری باطل و غلط است که با عقل سازگار نیست. در برخی مجالس با خواندن اشعاری مانند: «حیدر، حیدر، خالق ارض و سمائی حیدر، حیدر، روزی ده ماسوائی» از این نوع غلو استفاده می‌کنند.

۲. اعتقاد به این که پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم و ائمه علیهم‌السلام سبب و واسطه در آفرینش جهان هستند، اما سبب واقعی و آفریننده حقیقی خود خداوند است. این نظریه شرک نیست، ولی باطل است؛ زیرا آن بزرگواران گرچه واسطه در فیوضات باری تعالی هستند، ولی واسطه در خلقت جهان

نیستند، آنان مثل سایر موجودات از مواهب طبیعت بهره می‌برند و حیاتشان متوقف بر علل و اسباب طبیعی است، پس چگونه می‌توانند خود در مرتبه علل و اسباب قرار گیرند. «دلا امشب به می‌باید وضو کرد و هر ناممکنی را جستجو کرد که ساقی باده‌ای نو در سبد کرد خدا در چننه هر چه داشت رو کرد خدا بر عالم و افلاک جان داد به شکل مرتضی خود را نشان داد»^۳. اعتقاد به الوهیت و خداوندگاری پیامبران و ائمه اطهار علیهم‌السلام از انواع دیگر غلو است؛ مانند اعتقاد فرقه نُمیریّه و نصیریّه به خداوندی امام علی علیه‌السلام و یا مسیحیت که حضرت عیسی علیه‌السلام را خدا می‌دانند. سخنان زیر نمونه‌ای از این بیان غلوآمیز است:

«لا هو الا محمد لا محمد الا علی لا اله الا فاطمه لا اله الا زینب»، «مادرت زهرا رحمن و رحیم است، تو علی پهلوانی خدای مهربانی»، «خدا امشب سبو در دست گردید، علی را آفرید و مست گردید، چنان بر مرتضی پابست گردید، که فارغ از تمام هست گردید». این سخنان علاوه بر این که خلاف تعلیمات اسلام است، موجب تکفیر شیعیان از سوی دشمنان می‌شود. تأکید بر جنبه عاطفی و احساسی واقعه عاشورا و بی‌توجهی به بُعد عقلانی موجب شد که کتب مقاتل و تاریخ نویسی آکنده از مطالب غلوآمیز شود. اوج نقل مطالب غلوآمیز مربوط به دوره صفویه و تألیف کتاب *روضه الشهداء* کاشفی است. در دوره‌های بعد، از این کتاب اقتباس کردند و متاسفانه این امر هنوز در مجالس شایع است (رهبری، ص ۲۷۳). از جمله دلایلی که موجب پیدایش این شیوه‌ی نادرست در عزاداری شده، به شرح زیر است:

۱. گرایش بشر به اسطوره‌پردازی و افسانه‌سرایی و نیز قهرمان پرستی؛
۲. تمایل مردم به علم بیش‌تر نسبت به واقعه عاشورا و محبت وافر به امام حسین علیه‌السلام؛
۳. تلاش روضه‌خوانان و مقتل‌نگاران برای جلب عزاداران با انگیزه‌ی هر چه پرشورتر کردن مراسم (شریعتی، ۱۳۷۵، ص ۵۲).

۲.۲.۱. تحریف

اگر خطبا و ذاکرین از سواد و مطالعه لازم در بازگویی یک موضوع خاص برخوردار نباشند، ممکن است آن موضوع دچار تحریف می‌شود. برخی اتفاقات واقعه‌ی عظیم عاشورا در

طول تاریخ دچار تحریفاتی شده‌اند و این موارد به مرور زمان به باورهای مادحین، ذاکرین و مستعین تبدیل شده‌اند. به عنوان نمونه بیماری امام سجاد علیه السلام تنها مربوط به ایام واقعه عاشورا بوده است و همین امر موجب حفظ ایشان و ادامه امامت شد و طبیعی است که هر انسانی در دوران زندگی خود بیمار شود. در هیچ یک از کتب غیر فارسی به بیماری ایشان اشاره نشده است، اما بر اساس عادات غلط، از امام زین العابدین علیه السلام به عنوان یک انسان مریض زردرنگ یاد می‌شود که عصا به دستان ایشان بود و این یکی از نمونه‌های تحریف است (مطهری، ۱۳۷۸، ج ۱۷، ص ۶۱۱).

نمونه‌ای دیگر داستان فطرس ملک است که نقل شده: «فرشته‌ای به نام فطرس بود که به علت گندی در فرمان خدا، خداوند پرش را شکست و او را در جزیره‌ای انداخت. در زمان تولد امام حسین علیه السلام به همراه جبرئیل به نزد رسول خدا صلی الله علیه و آله آمد و خودش را به امام حسین علیه السلام مالید و شفا یافت و بالا رفت و گفت هر کس حسین علیه السلام را زیارت کند و سلام دهد به وی می‌رسانم. (مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۲۶، ص ۳۴۰) صحت این داستان نیز بعید است؛ چراکه در کلام خداوند و احادیث، ذکر شده که یکی از صفات ملائکه عدم نافرمانی و عصیان است. معلوم می‌شود که ملائکه نفس و اراده مستقلاً ندارند که بتوانند غیر از آن چه که خدا اراده کرد، انجام دهند. پس ملائکه در هیچ کاری استقلال ندارند و از هیچ فرمان خدا نافرمانی نمی‌کنند و کم و زیادش نمی‌کنند (طباطبایی، ۱۳۷۴، ج ۱۹، ص ۵۸).

تحریف می‌تواند در تمام مسائل وجود داشته باشد و دشمنان با تحریف کردن مسائل، شنونده را از واقعیت دور نگه می‌دارند. خطر تحریف خطر بزرگی است که دامن‌گیر ادیان آسمانی گذشته بوده است و این خطر اسلام و امت اسلامی را نیز تهدید می‌کند، با این تفاوت که در اسلام پیوسته کسانی بوده‌اند که غبار تحریف را از حقانیت آن زدوده و اصالت آن را حفظ کرده‌اند. تحریف در ماجرای عاشورا یعنی به انحراف کشاندن این نهضت عدالت خواهانه و بی‌محتوا و تهی کردن آن از ماهیت اسلامی و انسانی و افزودن خرافات و سخنان جاهلانه به آن هدف مستکبران و سلطه‌گران ستمگر است (فاطمی، ۱۳۸۸، ص ۴۴).

بیرون آمدن عزاداری و مداحی از قالب سنتی به اسم نوآوری و جذابیت موجب تحریف‌هایی

شده است که گرچه نتیجه اش جذب طیفی از مخاطبان به ویژه جوانان است، ولی پایگاه مردمی این سنت دینی را سست می‌کند و باعث دفع توده‌های متدین و اصیل می‌شود. پرداختن به خواب‌ها و نقل پیاپی آن از این و آن، یکی از گذرگاه‌های ورود به عرصه تحریف و دروغ‌پردازی در واقعه عاشورا و از شیوه‌های دگرگون ساختن حقایق تاریخی آن است. وقتی راست و دروغ با هم مخلوط شد، بی‌اعتمادی به حرف‌های درست و معتبر هم سرایت می‌کند و آن‌ها را از سندیت و اعتبار می‌اندازد.

تحریفات، بیش‌تر در سخنرانی‌ها و مداحی‌ها و برای استفاده از احساسات مستمعین مشاهده شده است، برای نمونه در جریان عزاداری، وعظ و خطابه امروز دو نقطه ضعف در مردم است؛ نخست این‌که مردم علاقه شدیدی دارند که در مجالس، اجتماع و ازدحام زیاد شود، دوم این‌که می‌خواهند از لحاظ گریه، مجلس بگیرند و شور به پا شود. این جاست که یک خطیب بر سر دوراهی قرار می‌گیرد که مجلس را کربلا کند، یا حقایق را بگوید که حیثاً نه ازدحام می‌شود و نه شور و واویلا به پا می‌شود. این جاست که علما و دانشمندان اسلام وظیفه شرعی دارند که برای مبارزه با این تحریفات و خرافات امر به معروف و نهی از منکر کنند و با نقاط ضعف مردم مبارزه کنند، نه این‌که از آن‌ها استفاده کنند. علما باید دروغ‌گویان را رسوا و روایات و احادیث ساختگی را کشف کنند؛ بنابراین از موارد جواز غیبت قاعده‌ی جرح راوی حدیث است.^۱ علما باید متن احادیث معتبر، سیمای واقعی شخصیات بزرگ و متن واقعی حوادث تاریخی را در اختیار مردم بگذارند و به دروغ‌بودن دروغ‌ها اشاره و تصریح کنند (مظهری، همان، ص ۶۱۳).

۲. بایسته‌های شکلی و ظاهری

منظور از بایسته‌های شکلی و ظاهری، آن دسته از بایدها و نبایدهایی است که در شکل و شیوه‌ی برگزاری مجالس مذهبی وجود دارد و بر روی نحوه‌ی شکل‌گیری آن‌ها اثر می‌گذارد. این

۱. مرحوم علامه ملا احمد نراقی در باب جواز غیبت، تعداد ۱۴ مورد را شمارش نموده - اندک که از حکم حرمت خارج و به تعبیری موارد جواز غیبت محسوب می‌شوند: اظهار عیوب شاهد و راوی حدیث به جهت «جرح» نمودن شهادت او، یا ردّ حدیث او از جمله این- موارد است. ایشان می‌گوید: «ولیکن در این خصوص باید به قدری که جرح او بشود اکتفا نمود و در نزد کسی باشد که می‌خواهد به شهادت یا حدیث او عمل کند» (نراقی، ۱۴۱۵ق).

بایسته‌ها به دو دسته ایجابی و سلبی تقسیم بندی می‌شوند که بایسته‌های ایجابی از ناحیه‌ی برگزارکنندگان، سخنرانان و مداحان در مجالس مذهبی باید رعایت شوند و بایسته‌های سلبی ممکن است از ناحیه‌ی دشمنان و یا حتی شرکت‌کنندگان و برگزارکنندگان ایجاد شوند. از این رو به شرح هر کدام از این بایسته‌ها پرداخته خواهد شد.

۱.۲. بایسته‌های ایجابی

این بایسته‌ها در واقع بایدهایی هستند که از جانب برگزارکنندگان، مداحان و سخنرانان باید رعایت شود.

۱.۱.۲. رعایت اوقات نماز

در برخی از مجالس مذهبی دیده می‌شود که برنامه تا دیروقت طول می‌کشد. این امر نه تنها باعث از بین رفتن وقت مردم که بزرگ‌ترین سرمایه زندگی آن‌هاست می‌شود، بلکه گاهی باعث می‌شود که به دلیل خستگی، نماز صبح جوانان قضا شود؛ یعنی انجام یک مستحب موجب از دست رفتن یک واجب می‌شود. بررسی سخنان معصومین علیهم‌السلام نشان می‌دهد که شب زنده‌داری و احیا برای شب‌های خاصی مورد تأکید قرار گرفته است و به یقین احیای این شب‌ها نیز به شرطی دارای اجر و پاداش خواهد بود که با معصیت‌هایی چون قضا شدن نماز صبح همراه نشود، در صورتی که با مدیریت و برنامه‌ریزی صحیح، می‌توان به راحتی از این آسیب جلوگیری کرد. امام صادق علیه‌السلام در این باره فرموده‌اند: «إِنَّ شَفَاعَتَنَا لَا تَنَالُ مُسْتَخْفًا بِالصَّلَاةِ» (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۸۰، ص ۱۹)؛ شفاعت ما به هر کس که نماز را سبک بشمارد نخواهد رسید. همچنین از ایشان نقل شده است: «أَوَّلُ مَا يَحَاسِبُ بِهِ الْعَبْدُ عَلَى الصَّلَاةِ فَإِذَا قَبِلَتْ قَبِلَ مِنْهُ سَائِرُ عَمَلِهِ وَ إِذَا رَدَّتْ عَلَيْهِ رُدَّ عَلَيْهِ سَائِرُ عَمَلِهِ» (حر عاملی، ۱۴۰۹ق، ج ۴، ص ۳۴)؛ نخستین چیزی که بنده را در رابطه با آن مورد محاسبه قرار می‌دهند، نماز است، اگر پذیرفته شود، اعمال دیگر نیز پذیرفته می‌شوند و اگر رد شود، سایر اعمال نیز رد می‌شوند. باتوجه به این حدیث باید مواظب نماز اول وقتمان باشیم، زیرا اگر نمازمان قبول نشود، برکت و ثواب این مجالس نیز از بین می‌رود. انسان‌ها از ظرفیت مفید محدودی برای شنیدن برخوردارند که پس از پایان یافتن آن، خسته

شده و تحمل گوش دادن را از دست می دهند. در این حالت سخن گفتن نه تنها مفید نیست، بلکه گاه پیامدهای ناخوشایندی به دنبال دارد. ظرفیت زمانی همه انسان ها اگرچه یکسان نیست، ولی حد میانه ای وجود دارد که خطیب و ذاکر با در نظر گرفتن زمان و مکان مجلس، سطح سنی، دانش و حوصله شنوندگان و همچنین دقت در چهره‌ی آنان به راحتی آن را در می یابد. ائمه معصومین علیهم السلام نیز در خطابات خود به ظرفیت زمانی تحمل مخاطبان خود، توجه کامل داشتند و از این ظرف زمانی، حداکثر استفاده را می کردند. از دیدگاه آنان، عدم استفاده درست از این فرصت، بیهوده گذراندن آن، زیاده‌گویی و عدم توجه به ظرفیت مخاطبان در مدت زمان درک مطلب، برخلاف شیوه‌ی تبلیغ حکیمانه است. واعظ و ذاکر باید باتوجه به اقتضای مجلس و به اندازه نیاز و ظرفیت مخاطب، کلام خود را مختصر یا طولانی کند (واسعی و دیگران، ۱۳۸۶، ص ۱۷۰).

۲.۱.۲. استفاده از اشعار و نوحه‌های مناسب

در عصر حاضر، مداحان برای جذب جوانان به مجالس مذهبی از هر نوحه‌ای استفاده می کنند که متأسفانه در برخی از این نوحه‌ها از بار معنایی پایین و یا کلام حرام استفاده می شود. در مجالس مذهبی علاوه بر نوحه خوانی، مرثیه سرایی نیز انجام می گیرد. رثاء در لغت به معنای گریه کردن برای شخص، ذکر مصیبت، خوبی‌ها و محاسن اوست که گاه به صورت شعر منظوم خوانده می شود. در ادامه بحث به بعضی نغمه‌های بی ارزش و آهنگ‌های مبتذل به عنوان نمونه‌هایی از انحرافات عزاداری و سبک شعرهای آن اشاره می کنیم:

۱. رقصیدن و حرکات نامناسب در مجالس عزاداری، همراه با اشعاری مبتذل؛ مانند:

«رقاصم و رقاصم، رقاصه‌ی عباسم که متأسفانه نوار صوتی و کلیپ تصویری این شعر در دسترس همه قرار گرفت».

۲. کف زدن و کیل کشیدن در ششم محرم الحرام و عروسی گرفتن برای حضرت قاسم علیه السلام:

«شب فیضه، شب گریه، ماشین عروس زدن گل نیزه، می رقصند، به دوما، پیرزن‌ها کل

می کشند، شب فیضه»

در شعری دیگر این چنین می خوانند:

«نوار مغز سرم در محضر دکترها، خط خطی قاطی بود، طبیب توی مطب، متحیر صدا

زد، این چه نوار مغزی بود، میدونی چی دادم جواب، دکتر من روانی ام، روانی حسین» و
 ظاهراً تاریخچه حجله عروسی قاسم علیه السلام برگرفته شده از کتاب *روضه الشهداء* در قرن نهم است که برای اولین بار توسط ملا حسین کاشفی در این کتاب درباره برگزاری عروسی قاسم در کربلا سخن به میان آمده است. با وجود تاکید فراوان شهید مطهری در کتاب *حماسه حسینی* بر جعل و دروغ بودن این داستان، متأسفانه وجود حجله عروسی و نیز هلله کردن در روز عاشورا برای عروسی قاسم علیه السلام همچنان مرسوم است. حجله عروسی حضرت قاسم علیه السلام آن قدر در برخی باورها و اعتقادات جای گرفته است که عده‌ای برای رفع مشکلات زندگی خود در حجله‌ای که در دسته‌های عزاداری گردانده می‌شود، پول می‌ریزند و نذر ادا می‌کنند و یا پارچه‌ای برای برآورده شدن حاجاتشان به آن گره می‌زنند.

مرثیه خوانی اهل بیت علیهم السلام با تکیه بر لحن و آهنگ مناسب، جهت تحریک عواطف مستمعان و آگاه کردن آنان با مصائب اهل بیت علیهم السلام مناسب است. در حکم اولیه همه فقها با مرثیه سرایی موافقت و حتی مستحب مؤکد می‌دانند که مردم در مجالس مرثیه سرایی اهل بیت علیهم السلام شرکت کنند، ولی از منظر شرعی اگر مرثیه خوانی همراه با غلو، آهنگ و سبک‌های مبتذل باشد در این جا حکم ثانویه به میان می‌آید و فقها در این موارد حکم به حرمت می‌دهند.

۲.۲. بایسته‌های سلبی

در راستای تمرکز بر بُعد ظاهری مراسم مذهبی در سال‌های اخیر، برگزارکنندگان مراسم‌ها بیشتر به دنبال این هستند که ذوق مخاطب چه می‌خواهد تا محتوای مراسم را تحت الشعاع آن قرار دهند. در واقع برای آن که جمعیت جوان حاضر در جلسات از دست نرود، جاذبه‌های ظاهری مراسم و بُعد نمایشی آن بر محتوا غالب شده است و تأثیرگذاری مراسم کمتر مورد توجه قرار گرفته است. اخیراً موج گسترده‌ای از هیئت‌های عزاداری مطرح شده‌اند که بیان‌گر ایجاد تحولی عمیق در روند عزاداری سنتی است. وجه تمایز آن‌ها به واسطه‌ی خروج از هنجارهای سنتی عزاداری و تکیه بر شورمندی و هیجان مذهبی بالا در میان جماعت عزاداران است. در این سبک عزاداری جدید، وجود استریوها، پروژکتورها، ویدیوها، دستگاه‌های عکس برداری و

فیلم برداری دیجیتالی در مراسم بسیار مهم قلمداد می‌شود. اضافه شدن نمایشگرها به منظور نمایش اشعار برای مخاطبان، نورپردازی هنگام سینه زنی با چراغ‌های رنگی، تصویربرداری از مراسم و انتشار در پایگاه‌های اطلاع‌رسانی، تبلیغات گسترده، به وجود آوردن بدعت‌های مختلف از جمله مراسم قمه زنی، زنجیر و چاقو زنی، غنا و... نمونه‌هایی از اهمیت ابزارها در برپایی هرچه جذاب‌تر و پررونق‌تر این‌گونه مجالس است.

۱.۲.۲. بدعت

از جمله بدعت‌هایی که در مجالس مذهبی می‌توان به آن اشاره کرد، مراسم قمه زنی و زنجیر و تیغ زنی است. کسانی که می‌خواهند صبح روز عاشورا قمه بزنند، در شب عاشورا قمه‌ی خود را تیز کرده و در جلسه عزاداری به نام «مشق قمه» شرکت می‌کنند و در صبح عاشورا بعد از نماز صبح سربرهنه، پابرهنه و کفن پوش، قمه‌ها را در دست گرفته و از پهنا به سر می‌زنند و با نوحه خوانی و گفتن «حیدر، حیدر» آماده‌ی قمه زنی می‌شوند. استاد قمه زن با زدن دو یا سه ضربه افراد را مجروح کرده و سپس آن‌ها از پنهای قمه بر روی زخم زده و حسین حسین می‌گویند، بعضی افراد نیز که خود توان قمه زدن را دارند به دلخواه خویش با ضرباتی، سر خویش را مجروح کرده و گاهی آنقدر قمه می‌زنند تا از هوش بروند. روشن است که هیچ دلیل شرعی که بتوان با آن قمه زنی یا اعمال شبیه به آن را به عنوان عزاداری و جزع برشمرد، موجود نیست. از برخی روایات نیز می‌توان حرمت این موضوع را درک کرد، چنان‌که جابر بن عبدالله انصاری می‌گوید از امام محمد باقر علیه السلام درباره‌ی جزع سوال کردم، حضرت فرمودند: «شدیدترین مرتبه جزع عبارت است از فریاد همراه وای گفتن، زدن به صورت و سینه و چیدن مو از جلوی سر و هرکس نوحه‌گری برپا کند به طور حتم صبر را رها کرده و در غیر صبر قرار گرفته است» (حر عاملی، ۱۴۰۹ق، ج ۲، ص ۹۱۵). علامه مطهری در مورد بدعت بودن قمه زنی معتقد است که هرگاه فعل و امر جدیدی که جزو دین بودن آن ثابت نشده باشد، سبب وهن و تضعیف دین شود به یقین انجام آن فعل حرام است و باید از آن پرهیز شود. قمه زنی نیز از امور اختراعی است که هیچ‌گونه سابقه‌ای در عصر ائمه علیهم السلام و حتی قرون نزدیک به آن ندارد. قمه زنی و بلند کردن طبل و شیپور از

ارتدوکس‌های قفقاز به ایران سرایت کرد و چون روحیه‌ی مردم برای پذیرفتن آن‌ها آماده بود، سریع در همه جا گسترش پیدا کرد (مطهری، ۱۳۷۱، ص ۱۵۴). ایشان همچنین درباره قمه زنی می‌فرماید: «قمه زنی در شرایط فعلی هیچ دلیل عقلی و نقلی بر آن نداریم و یکی از مصادیق بارز تحریف محسوب می‌شود و حداقل این‌که در زمان فعلی، باعث زیر سوال رفتن تشیع می‌شود. از برنامه‌هایی که هیچ ارتباطی با اهداف امام حسین علیه السلام ندارد، قمه و قفل زدن است؛ قمه زدن هم همین‌طور است. این کار، کار غلطی است. یک عده قمه‌ها را بگیرند، به سرهای خودشان بزنند و خون‌ها را بریزند که چه شود؟ کجای این حرکت، عزاداری است؟» (شهرویی، بی‌تا، ص ۱۵۴).

بدعت دیگری که اخیراً وارد مجالس مذهبی شده، استفاده از شکل خاصی از زنجیر به نام زنجیر تیغی است؛ در این زنجیر به جای استفاده از حلقه‌های کوچک آهنی درهم تنیده از تیغ‌های تیز استفاده شده است که وارد آمدن ضربات آن بر بدن، منجر به مجروح شدن بدن و فوران خون از پشت می‌شود. از سوی دیگر شاهد ظهور پدیده‌هایی چون زمین بوسی و قفل زنی در برخی مکان‌ها هستیم.

اعمالی از قبیل قمه زنی، استفاده از زنجیرهای تیغ دار و خاردار، سوراخ کردن بدن و آویزان کردن قفل و زنجیر به آن، پای برهنه وارد آتش و زغال شدن و تیغ زدن در دسته جات سینه زنی، مجالس مذهبی و انظار عمومی همواره مورد توجه ویژه دشمنان تشیع به ویژه وهابیت و صهیونیست قرار می‌گیرد و هر سال مبالغ قابل توجهی بودجه از سوی آنان به این امر، اختصاص داده می‌شود که با استفاده از سوژه‌های این چنینی، اذهان مردم را نسبت به مذهب تشیع خراب کنند و شیعیان را مردمی خشونت طلب و بی منطق در جهان، نشان دهند و روز به روز تعداد فیلم‌ها و سایت‌هایی که به این قبیل از اعتقادات شیعیان حمله می‌کنند، زیادتر می‌شوند.

از دیگر بدعت‌های جدید، اشاعه خودزنی و برهنگی در مجالس است که امروز بیش از هر دوره‌ی تاریخی دیگری، مرسوم و شیوع یافته است. در واقع این اعمال و رفتار، شباهت زیادی به آداب درویشی و صوفی‌گری دارد که یکی از علل برهنگی خود را در مجالس، نشان دادن ارادت خالص خود در سینه زنی به ائمه می‌دانند. ائمه معصومین علیهم السلام در باب متانت برگزاری

مراسم عزاداری، سفارشات فراوانی فرمودند و شیعیان خود را از خودزنی نهی می‌کردند. از امام صادق علیه السلام روایت شده است که فرمود: «فریاد زدن برای مرگ جایز نیست و لباس پاره کردن نیز همچین جایز نیست» (کلینی، ۱۳۶۹، ج ۳، ص ۲۲۶). عقل سلیم این مناظر را نمی‌پذیرد، برخی برهنه می‌شوند و با زنجیر به دست خود، خود را می‌زنند و به طرزی دیوانه وار صدای خود را بلند کرده و حسین حسین می‌گویند. عامل شک برانگیز این است که به وضوح دیده می‌شود وقتی مجالس تمام می‌شوند، انگار ناراحتی آن‌ها نیز برطرف شده است و با گذشت زمانی اندک بعد از اتمام مجلس دیده می‌شود که چگونه می‌خندند، شیرینی و میوه می‌خورند، می‌نوشند و گویی همه چیز با تمام شدن مجلس تمام می‌شود. در واقع آن چه این افراد انجام می‌دهند، فقط یک تقلید کورکورانه است.

۲.۲.۲. توهین و حرمت شکنی در مجالس مذهبی

نظر به این که دین مبین اسلام دین مکارم اخلاق است، رعایت شئون اخلاقی از سوی همه افراد فعال در مراسم مذهبی اعم از بانیان، زنان، مردان، جوانان و ... ضروری است. با این حال، مواردی از توهین‌ها و حرمت شکنی‌ها در برخی مجالس دیده می‌شود، به عنوان نمونه در بعضی موارد، سالن مجالس برای مردان در نظر گرفته می‌شود و زن‌ها را در کوچه، خیابان و معابر جا می‌دهند و این در حالی است که جمعیت زن‌ها بیشتر از مردها است و ایستادن آن‌ها در فضای بیرون دور از شأن و جایگاه آنان است. در بعضی مجالس نیز اگر شخصیتی ظرفی بیاورد به او غذا می‌دهند و می‌گویند: ایشان فلان حاجی است، یا فلان رئیس است؛ اما اگر یک فقیری گفت من فقیرم، یک ظرف غذا به من بدهید، می‌گویند برو و به او چیزی نمی‌دهند که این خود نوعی توهین است (ابراهیمی، ۱۳۸۴، ص ۱۰۲). از نظر پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله اذیت و آزار مؤمن برابر با اذیت و آزار رسول خدا صلی الله علیه و آله و برابر با اذیت خداوند است که چنین شخصی در تمامی کتب آسمانی از تورات و انجیل و زبور و قرآن، انسانی ملعون است (مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۷۵، ص ۱۵۰). در برخی مجالس، بعضی از مؤذنین نذورات، با بدترین نحوه‌ی ممکن و از سر خود بزرگ بینی و تکبر با شرکت‌کنندگان مجالس برخورد می‌کنند و تحقیر در این نوع توزیع هر بیننده‌ای را در فکر فرو می‌برد. در حقیقت ائمه علیهم السلام بزرگوار ماکه این مجالس برای آن‌ها

برگزار می‌شود، هرگز راضی به این رفتارها نخواهند بود و قطعاً این نوع نذر مقبول نخواهد بود. بدحجابی زنان حرمت شکنی دیگری است که در برخی مجالس مذهبی انجام می‌گیرد. در بعضی مراسم‌ها، برخی زنان و دختران بدون در نظر گرفتن آداب مجلس و شئونات اهل بیت علیهم‌السلام با پوشش نامناسب ظاهر می‌شوند. اگرچه مجالس اهل بیت علیهم‌السلام محدودیتی برای افراد قایل نیست و کسی حق ندارد از ورود این‌گونه افراد به مجالس عزای اهل بیت علیهم‌السلام جلوگیری کند، اما شرکت‌کنندگان نیز بایستی در نظر داشته باشند که حرمت و احترام این جلسات را داشته باشند.

از موارد دیگر حرمت شکنی، اختلاط زنان و مردان نامحرم در مجالس مذهبی است. بدون شک، در بعضی موارد اختلاط زن و مرد سبب فعل حرام و ارتکاب به گناهان کبیره می‌شود. این فعل حرام از قبیل نگاه کردن به ناموس مردم، گفتگوهای شیطانی و... است و گاهی این اختلاط آثاری سوء به همراه دارد.

از دیگر موارد حرمت شکنی، غیبت کردن در این مجالس است. در مجالس مذهبی از جمله مجالس جشن و شادی، احتمال ایجاد زمینه برای بعضی سخنان ناهنجار فراهم می‌شود. برخی افراد در این اجتماع پرجمعیت، شروع به عیب‌جویی و بدگویی از دیگران می‌کنند. قرآن کریم در مذمت این‌گونه افراد می‌فرماید:

﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اجْتَنِبُوا كَثِيرًا مِّنَ الظَّنِّ إِنَّ بَعْضَ الظَّنِّ إِثْمٌ وَلَا تَجَسَّسُوا وَلَا يَغْتَبِ بَعْضُكُم بَعْضًا أَيُحِبُّ أَحَدُكُمْ أَن يَأْكُلَ لَحْمَ أَخِيهِ مَيْتًا فَكَرِهْتُمُوهُ وَاتَّقُوا اللَّهَ إِنَّ اللَّهَ تَوَّابٌ رَّحِيمٌ﴾ (حجرات: ۱۲)؛ ای کسانی که ایمان آورده‌اید! از بسیاری از گمان‌ها بپرهیزید، چراکه بعضی از گمان‌ها گناه است؛ و هرگز (در کار دیگران) تجسس نکنید؛ و هیچ‌یک از شما دیگری را غیبت نکند، آیا کسی از شما دوست دارد که گوشت برادر مرده خود را بخورد؟! (به یقین) همه شما از این امر کراهت دارید؛ تقوای الهی پیشه کنید که خداوند توبه‌پذیر و مهربان است.

آبروی مسلمان همچون گوشت تن او است و ریختن این آبرو به وسیله‌ی غیبت و افشای اسرار پنهانی او همچون خوردن گوشت تن او است. تعبیر «مرده» در آیه‌ی کریمه به علت آن است که

«غیبت» در غیاب افراد صورت می‌گیرد که همچون مردگان قادر به دفاع از خویش نیستند و این ناجوان مردانه‌ترین ظلمی است که انسان غیبت‌کننده درباره برادر خود روا می‌دارد. آری این تشبیه بیانگر زشتی فوق‌العاده غیبت و گناه عظیم آن است (مکارم شیرازی و همکاران، ۱۳۸۵، ج ۲۲، ص ۱۸۴). در آیه دیگری در قرآن کریم آمده است: «وَيَلِّ لِكُلِّ هُمَزَةٍ لُّمَزَةً» (همزه: ۷)؛ وای بر هر عیب‌جوی مسخره‌کننده‌ای. واژه «همزه و لمزه» مفهوم وسیعی دارد که هرگونه عیب‌جویی، غیبت، طعن و استهزا به وسیله زبان، علایم، اشارات و سخن‌چینی و بدگویی را شامل می‌شود. همچنین تعبیر «ویل» تهدید شدیدی نسبت به این گروه است. آیات قرآنی همواره موضع‌گیری سختی در برابر این‌گونه افراد دارند و سرچشمه این عمل زشت (عیب‌جویی و استهزا) را غالباً از کبر و غرور می‌داند (مکارم شیرازی و همکاران، ۱۳۸۵، ج ۲۷، ص ۳۱۱)، پیامبر خدا ﷺ در این باره می‌فرماید: «الْجُلُوسُ فِي الْمَسْجِدِ يَنْتَظِرُ الصَّلَاةَ عِبَادَةً مَا تَمْ يُحَدِّثُ قَبْلَ يَا رَسُولَ اللَّهِ وَ مَا أَحَدُثُ قَالُ ص الْإِعْتِيَابُ» (نوری، ۱۴۰۸ق، ج ۹، ص ۱۱۷)؛ نشستن در مسجد به انتظار نماز، عبادت است تا حادثی از او سرزند، عرض شد یا رسول‌الله حدث چیست؟ فرمود: غیبت کردن است. با توجه به آن چه گفته شد در می‌یابیم که در مجالس مذهبی نباید هیچ نوع توهینی انجام گیرد. همچنین رعایت شئون اخلاقی از جمیع جهات و از سوی همه افراد فعال در مراسم مذهبی اعم از بانیان، زنان، مردان، جوانان و ... باید صورت گیرد.

نتیجه‌گیری

با بررسی سیر تاریخی اجرای مجالس مذهبی، شاهد تلاش ائمه معصومین علیهم‌السلام در برگزاری هرچه بهتر و باکیفیت‌تر این‌گونه مجالس بوده‌ایم و مشاهده می‌کنیم ایشان این مجالس را وسیله‌ای برای توسعه و گسترش دین اسلام به کار می‌بردند. جهت‌گیری این مجالس بعد از شهادت امام حسین علیه‌السلام به سمت زنده نگه داشتن نام و یاد ایشان می‌رود و اولیای دین تلاش می‌کردند به این واسطه زشتی و پلیدی دستگاه‌های حاکم ظلم و جور را به مردم یادآوری کنند. با شکل‌گیری حکومت‌های دینی در ایران، زمینه برگزاری مجالس مذهبی فراهم شد و ورود امام رضا علیه‌السلام و دیگر فرزندان امام کاظم علیه‌السلام به ایران، به این مجالس رونق و توسعه بخشید. اوج

تاثیرگذاری این مجالس در ایران به دوران پیروزی انقلاب اسلامی برمی‌گردد و به گفته رهبران انقلاب اسلامی، این مجالس نقش بسزایی در پیروزی انقلاب داشته‌اند. اگر این مجالس به نحو مطلوب برگزار شوند به طور قطع از بهترین روش‌های تربیت افراد به کمال حقیقی و اصلاح جامعه است. اجرای این مراسمات، دین را در جامعه زنده نگه می‌دارد و نسل به نسل منتقل می‌کند، ولی اگر انحرافات و آسیب‌هایی در آن وارد شود، نتیجه معکوس است و باعث کم‌رنگ شدن دین در جامعه و یا حتی از بین رفتن آن می‌شود؛ از این رو بررسی رفتاری و شخصیتی مداحان و عزاداران قبل از مراسم و در هنگام برگزاری مجالس مذهبی ضروری است تا بتوان از مهم‌ترین آسیب‌های متوجه این مجالس از جمله کفرگویی و گزافه‌گویی جلوگیری کرد و غبار تحریف و خرافات را از جامعه اسلامی زدود.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

فهرست منابع

- قرآن کریم، ترجمه ناصر مکارم شیرازی.
۱. ابراهیمی، ابراهیم، آیین عزاداری، تهران: انتشارات نمایندگی ولی فقیه در نیروی مقاومت بسیج، ۱۳۸۴.
 ۲. ابن قولویه قمی، جعفر، کامل الزیارات، چاپ هشتم، تهران: انتشارات پیام حق، ۱۳۹۲.
 ۳. افتخاری، اصغر، سیره تبلیغی پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله، تهران: نشر سازمان تبلیغات اسلامی، ۱۳۷۷.
 ۴. جوهری، اسماعیل بن حماد، صحاح اللغة، چاپ چهارم، بیروت: دار العلم للملایین، ۱۴۰۷ق.
 ۵. حر عاملی، محمد بن حسن، تفصیل وسائل الشیعه الی تحصیل مسائل الشریعه، تصحیح موسسه آل البيت، قم: انتشارات موسسه آل البيت، ۱۴۰۹ق.
 ۶. خوبی، ابوالقاسم، معجم رجال الحدیث و تفصیل طبقات الرجال، چاپ چهارم، قم: مدنیه العلم، ۱۴۰۹ق.
 ۷. رهبری، حسن، «خرافه زدایی از عاشورا»، مجموعه مقالات عاشورا عزاداری تحریفات، بی جا: بی تا.
 ۸. شریعتی، علی، مجموعه آثار دکتر علی شریعتی، چاپ هفتم، تهران: نشر آزمون، ۱۳۷۵.
 ۹. شهروی، داوود، حوزه و روحانیت از دیدگاه شهید مطهری، قم: پارسیان، بی تا.
 ۱۰. طباطبایی، المیزان فی تفسیر القرآن، ترجمه: محمد باقر موسوی همدانی، قم: دفتر انتشارات اسلامی جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، ۱۳۷۴.
 ۱۱. فاطمی، مریم، آسیب شناسی عزاداری، قم: مؤسسه انتشاراتی ائمه علیهم السلام، ۱۳۸۸.
 ۱۲. قمی، عباس، منتهی الامال، قم: هجرت، ۱۴۱۲ق.
 ۱۳. کلینی، محمد بن یعقوب، الکافی، تهران: کتابفروشی اسلامیه، ۱۳۶۹.
 ۱۴. کیادربندسری، علی؛ و آتشین صدف، عبدالرضا، «فرهنگ عزاداری»، فصلنامه تحلیلی علمی و اطلاع رسانی پایش سبک زندگی، شماره ۴، ۱۳۹۳.
 ۱۵. مجلسی، محمد باقر، بحار الانوار الجامعه لدرر اخبار الائمه الاطهار علیهم السلام، بیروت: دار احیاء التراث العربی، ۱۴۰۳ق.
 ۱۶. مجمع مدرسین و محققین حوزه ی علمیه قم، عاشورا، عزاداری، تحریفات، قم: انتشارات صحیفه خرد، ۱۳۸۶.
 ۱۷. مطهری، مرتضی، حماسه حسینی، تهران: انتشارات صدرا، ۱۳۷۱.
 ۱۸. مکارم شیرازی، ناصر، و همکاران، تفسیر نمونه، تهران: دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۸۵.
 ۱۹. نراقی، احمد، مستند الشیعه فی احکام الشریعه، قم: مؤسسه آل البيت علیهم السلام، ۱۴۱۵ق.
 ۲۰. نوری، حسین، مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل، قم: مؤسسه آل البيت علیهم السلام، ۱۴۰۸.
 ۲۱. واسعی، علیرضا و دیگران، درآمدی بر روش های تبلیغی ائمه علیهم السلام، قم: پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی، ۱۳۸۶.